

نقش اقتصاد فریدمنی در بی‌اثرسازی جنبش‌های دانشجویی

دهه‌های ۶۰ و ۷۰ قرن میلادی فعلی را می‌توان پرشورترین دوران جنبش‌های دانشجویی در «غرب» دانست. در این دو دهه عواملی چون فعالیت‌های گسترده تبلیغی و روانی بلوک شرق، جنگ نابرابر آمریکا با «مردم ویتنام» و برنامه توسعه سلاح‌های کشتار جمعی توسط دولت‌های غربی انگیزه حضور گسترده دانشجویان در این جنبش‌ها را تقویت کرد.

اما این روند با حادث شدن تغییرات سیاسی در عرصه بین‌المللی، فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و متعاقب آن کم‌رنگ شدن فعالیت‌های روانی تبلیغی بلوک شرق، و از همه مهمتر برنامه‌ریزی‌های حساب شده برای غیرسیاسی کردن جامعه و به ویژه هجوم برنامه‌ها و فعالیت‌های غیرسیاسی به طیف جوان و... تدریجاً سیر نزولی به خود گرفت.

جنبش‌های دانشجویی در دانشگاه‌های انگلیس نیز از این قاعده مستثنی نبود، لیکن اعمال نظریه‌های اقتصادی جدید در همه شئون جامعه از جمله در دانشگاه‌های این کشور در دهه ۸۰ میلادی سیر نزولی حرکت‌های دانشجویی را شدت بخشید.

خانم «مارگارت تاچر» نخست‌وزیر اسبق انگلیس با پیروی از نظریات افرادی چون «مایکل فریدمن» و «فون هایک» سیاست انتقال امور کشور را به بازار (اقتصاد خصوصی) پیگیری می‌کرد.

نظریه این اقتصاددانان مبتنی بر این نکته بود که بازار اقتصاد خصوصی - می‌باید عهده‌دار تمشیت امور مختلف باشد و دولت باید نقش «دولت حداقل» را بر عهده گیرد و کمترین مداخله را در اداره امور داشته باشد.



یک حرکت دانشجویی در اروپا... چنین تحرکاتی اکنون در غرب کمتر تکرار می‌شود

دولت تاچر همزمان با پیگیری این دکترین، به صورت تدریجی و با وضع قوانین محدودکننده حوزه عمل اتحادیه‌های کارگری، کارمندی و دانشجویی را بسیار کم کرد. تا قبل از دولت تاچر رؤسای اتحادیه‌های گوناگون مجاز به اعلام برگزاری تظاهرات بودند، لیکن بعد از وضع قوانین محدودکننده، هرگونه تظاهراتی می‌بایست پس از رأی‌گیری و موافقت دو سوم اعضا انجام شود. مجموعه این عوامل باعث شد که اولویت‌های جامعه انگلیس به صورت آرام و تدریجی دچار جابه‌جایی شود و متأثر از شرایط محیطی مسایل اقتصادی بیشترین دغدغه افراد، از جمله دانشجویان را به خود اختصاص دهد.

در همین ارتباط مشاهده می‌شود که اولین بار در اوایل دهه ۸۰ اصطلاح «یابی» وارد فرهنگ لغات انگلیسی‌ها شد. این اصطلاح به جوانانی اطلاق می‌شود که با درآمد بالا در یکی از مؤسسات

اقتصادی کار می‌کنند.

اعمال دیدگاه‌های انتفاعی در دانشگاه‌های انگلیس منجر به رقابتی شدن این مؤسسات و کاهش بودجه تحقیقاتی آنها شد. از سوی دیگر مدیریت‌های این مراکز موظف شدند بخش عمده‌ای از بودجه دانشگاه‌ها را خود تأمین کنند. واگذاری مدیریت عالی برخی از دانشگاه‌ها به اشخاصی که صیغه فکری آنها اقتصادی و بازرگانی بود، و همچنین کناره‌گیری برخی از چهره‌های شاخص علمی از مسؤولیت‌های دانشگاهی، بیمارستان‌ها و مؤسسات تحقیقاتی در زمان نخست‌وزیری مارگارت تاچر، از دیگر عوارض این سیاست بود.

استادان چمدان به دست!

از همین زمان به بعد استخدام قطعی اساتید در دانشگاه‌های انگلیس به استخدام‌های ترمی تبدیل شد و یکی از شرایط انعقاد قراردادهای

فصلی نیز در بسیاری از موارد جذب دانشجو توسط استاد برای دوره‌های خصوصی دانشگاه از شرکت‌ها و مؤسسات اقتصادی عنوان می‌شود.

در این ارتباط یکی از استادان رشته فلسفه می‌گوید: مدتی است «اصطلاحی در دانشگاه‌های انگلیس رایج است با این عنوان «استاد چمدان به دست»، این اصطلاح حکایت از این واقعیت دارد که یک استاد نمی‌داند در ترم بعد در دانشگاه قرار دارد یا نه.

این استاد می‌گوید: تمدید قرارداد تدریس مرا در فصل بعد مشروط به جذب دانشجو از یکی از شرکت‌ها کرده‌اند.

تحلیل‌گران امور اجتماعی انگلیس معتقدند تهمی شدن سطوح مختلف اجتماعی از تفکر و نظریه‌پردازی، جدی‌ترین صدمه‌ای است که اعمال سیاست‌های اخیر در دانشگاه‌های این کشور به همراه داشته است.

این تحلیل‌گران می‌گویند با توجه به این‌که مراکز تحقیقات و دانشکده‌های رشته‌های علوم انسانی در ردیف مراکز پول‌ساز نیستند از بی‌اقبالی بیشتری در مقایسه با رشته‌های علوم تجربی و صنعت برخوردار بوده‌اند و این موضوع موجب ایجاد شکاف در جامعه انگلیس بین حوزه‌های تفکر با حوزه‌های کاربردی شده است.

روند خصوصی سازی دانشگاه‌های انگلیس از زمان به قدرت رسیدن حزب «محافظه کار» (۱۹۹۷ میلادی) در این کشور شدت بیشتری یافته است.

از سال ۱۹۹۸ دولت «تونی بلر» مقرر کرد دانشجویانی که در مقطع لیسانس تمایل به تحصیل دارند باید شهریه بپردازند.

تا قبل از این زمان دانشجویان انگلیسی صرفاً در مقاطع فوق لیسانس و دکترا موظف به پرداخت شهریه بودند.

در عین حال اخیراً دولت انگلیس دانشجویان دانشگاه‌های این کشور را به مطرح کردن اعتراضات و شکایات خود تشویق کرده است.

اتحادیه ملی دانشجویان در انگلیس نیز با استفاده از شیوه‌های تبلیغاتی از دانشجویان می‌خواهد در مقابل کاستی‌های آموزشی و

امکاناتی در دانشگاه‌ها سکوت اختیار نکنند.

دعوت از دانشجویان دانشگاه‌های انگلیس به عدم سکوت در مقابل کمبودهای آموزشی و امکاناتی، و هشدار به مدیریت دانشگاه‌ها در نادیده نگرفتن شکایات دانشجویی در حالی صورت می‌گیرد که فعالیت سازمان‌ها و حرکت‌های دانشجویی در این کشور در یکی دو دهه گذشته روندی نزولی داشته است.

صوابط و آیین نامه‌های جدید، و گاه قوانین مصوبه مجلس عوام نیز در محدود ساختن و کاهش قدرت و اختیارات اتحادیه‌های دانشجویی در دانشگاه‌های انگلیس تأثیر داشت و باعث شد قدرت این‌گونه تشکیلات به حداقل ممکن برسد. قدرت تشکیلات دانشجویی و از بین رفتن تأثیر اعتراضات این طیف نه تنها در امور عام سیاسی، بلکه در مواردی که با امور آنها ارتباط مستقیم دارد در یکی دو سال گذشته به اندازه‌ای کاهش یافته که حتی تأثیر اندکی بر تصمیمات دولت برای برقراری شهریه دانشگاهی نداشته است.

دولتمردان انگلیسی تا پیش از این می‌دانستند رایبه هرگونه طرحی برای برقراری شهریه دانشگاهی می‌تواند بسیار جنجال‌برانگیز باشد و نهایتاً به شکست طرح دولت در مجلس بینجامد. این حساسیت بدان حد بود که حتی دولت تاچر در زمان اوج اقتدار خود از رایبه و دنبال کردن طرح وضع شهریه برای دانشجویان داخلی مقطع کارشناسی خودداری کرد.

به گفته کارشناسان امور اجتماعی طرح جدید دولت انگلیس برای تشویق دانشگاه‌ها در نادیده نگرفتن شکایات و اعتراضات دانشجویی در واقع بخشی از دیدگاه کلی حزب کارگر پیرامون مبحث «قدرت مصرف‌کنندگان» محسوب می‌شود.

معاون امور آموزش عالی «وزارت آموزش و اشتغال» انگلیس اخیراً هنگام ملاقات با رؤسا و معاونین دانشگاه‌ها خاطرنشان کرد با پرداخت شهریه سالانه، دانشجویان مانند مصرف‌کنندگانی خواهند بود که حق دارند خواهان استانداردهای بهتر خدمات دریافتی باشند و دانشگاه‌ها باید به این مسأله توجه کنند.

در برخی از مؤسسات آموزش عالی انگلیس اعتراضات در مورد کیفیت غیرقابل قبول آموزش، کاستی امکانات آزمایشگاهی و خدمات ارایه شده در کتابخانه‌های دانشگاهی از سوی مسؤولان دانشگاه نادیده گرفته می‌شود.

از چند هفته قبل اتحادیه ملی دانشجویان دانشگاه‌های انگلیس نیز یک برنامه گسترده تبلیغاتی برای تشویق دانشجویان به بیان اعتراضات خود نسبت به موارد نقص و کاستی‌های آموزشی و امکاناتی در دانشگاه‌ها را آغاز کرد.

این اتحادیه اخیراً اقدام به چاپ تصویری کرده که در آن دانشجویی نشان داده می‌شود که بر روی دهان وی چسب زده شده است و در پایین آن متن «سکوت نکنید» به چاپ رسیده است. در همین حال دانشگاه‌های انگلیس از چندی قبل برای مواجهه با مشکل پایین آمدن سطح استاندارد آموزشی به تأسیس «مؤسسه فراگیری و آموزش» اقدام کرده‌اند.

این مؤسسه وظیفه نظارت و کنترل بر کیفیت آموزش در دانشگاه را برعهده خواهد داشت.

از سوی دیگر یکی از مسؤولان اتحادیه ملی دانشجویان در دانشگاه‌های کشور انگلیس ضمن تأکید بر نیاز به یک تشکیلات مستقل ناظر بر وضعیت کاری دانشگاه‌ها، مسؤولان و اساتید دانشگاه‌ها را به حفظ منافع شخصی متهم کرد.

وی گفت اساتید و مسؤولان به جای این‌که مراقب منافع دانشجویان باشند به حفظ مصالح یکدیگر توجه دارند.

یک کمیته مستقل به ریاست «لرد دیرینگ» که به منظور بررسی وضعیت آموزش عالی در انگلیس تشکیل شده بود، در سال ۱۹۹۷ گزارشی را منتشر کرد که در آن نیاز به ایجاد نظامی «شفاف» برای رسیدگی به شکایات دانشجویان توضیح شده بود.

اکنون با گذشت بیش از دو سال از تاریخ انتشار گزارش «دیرینگ» هنوز بسیاری از دانشگاه‌های انگلیس فاقد چنین برنامه‌ای هستند.

